

«دیمکاری استرالیایی»
اوزبیکستان و آمریکا

۴

صبح ۸

سال شانزدهم
شماره ۳۸۰۱
یکشنبه
۲۷ قوس ۱۴۰۱
۱۸ دسامبر ۲۰۲۲

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

شکایت مراجعان و بی تفاوتی طالبان؛

اختلافات شخصه اداره احصاییه بادغیس را تعطیل کرده است



امریت احصاییه و معلومات در ولایت بادغیس از بیست روز به این سو فعالیتش را توقف داده است. در این جریان هیچ یک از مراجعان نتوانسته تذکره برقی یا کاغذی به دست بیاورد. باشندگان بادغیس از بسته بودن این امریت شکایت دارند و خواهان از سرگیری فعالیت این اداره اند. مسوولان محلی در بادغیس تاکنون علت بسته بودن در این اداره را توضیح نداده اند، اما منابع می گویند که اختلافهای درونی میان والی و فرمانده امنیه...

۵



مردم فقیر و خانه های سرد؛

طالبان هیچ برنامه ای برای فقر زدایی ندارند

۳

گفتوگو با زبان تنگ؛

طالبان به تفاهم باور ندارند

۶

دبیر کل عفو بین الملل به شهباز شریف:

نگران جان و امنیت پناهجویان افغان در پاکستان هستیم



پناهجویان افغان در پاکستان از نخست وزیر این کشور خواسته تا دو معترض زندانی به نامهای فیض و کاظمی را که در زندان آدیاله راولپندی زندانی هستند، رها کند. عفو بین الملل همچنان از دولت پاکستان خواسته است تا زمینه را برای تنظیم اقدام و دسترسی پناهجویان افغان به خدمات بدون تبعیض از جمله آموزش برای کودکان و مراقبت های صحتی فراهم کند.

دبیر کل عفو بین الملل در نامه اش از پاکستان خواسته است تا به پناهجویان افغان حق قانونی کار بدهد تا بتوانند مخارج خود را تأمین کنند. در این نامه همچنان تأکید شده است که نباید از افرادی که ویژه شان نیاز به تمديد دارد، خواسته شود تا برای این کار به افغانستان باز گردند.

دبیر کل سازمان عفو بین الملل در نامه اش گفته است که او از عدم قطعیت حقوقی طولانی مدت پناهنده گان افغان در پاکستان نگران است، زیرا پاکستان فاقد قوانین ملی برای حمایت از پناهنده گان و پناهجویان است و همچنین هیچ رویه مشخصی برای تعیین وضعیت پناهنده گی ندارد.

عفو بین الملل با اشاره به بازداشت معترضان افغان به بلاتکلیفی حقوقی، تبعیض و بازداشت

پاکستان در وضعیت بلاتکلیفی قرار دارند، زیرا آنان بدون اسناد نمی توانند خانه اجاره کنند، حساب بانکی داشته باشند و از بسته گان شان در بیرون پول دریافت کنند. به گفته آگنس کالامار، پناهجویان افغان حتا نمی توانند بدون تأیید وزارت داخله پاکستان سیم کارت دریافت کنند و همین طور نمی توانند در شفاخانه های دولتی زیر درمان قرار گیرند.

دبیر کل سازمان عفو بین الملل در نامه اش گفته است که او از عدم قطعیت حقوقی طولانی مدت پناهنده گان افغان در پاکستان نگران است، زیرا پاکستان فاقد قوانین ملی برای حمایت از پناهنده گان و پناهجویان است و همچنین هیچ رویه مشخصی برای تعیین وضعیت پناهنده گی ندارد.

عفو بین الملل با اشاره به بازداشت معترضان افغان به بلاتکلیفی حقوقی، تبعیض و بازداشت

روابط دوستانه پاکستان و طالبان در حال قطع شدن است



۶

تقابل طالبان با آزادی های مدنی



۷

ندیم امیری به نیازمندان در افغانستان کمک می کند



صبح ۸ کابل: ندیم امیری، فوتبالیست افغانی الاصل آلمانی، برنامه ای را برای کمک به خانواده های نیازمند در افغانستان آغاز کرده است.

امیری روز شنبه، ۲۶ قوس، اعلام کرده است که از طریق این برنامه به ۳۰۰ خانواده فقیر در «وطن پدری» خود بسته های کمک اضطراری ارائه می کند.

امیری در مورد این بسته های کمکی گفته است: «این کمک بزرگی نیست، اما می تواند در زمستان به خانواده های نیازمند سودمند باشد».

این برنامه کمکی از طریق سازمان امدادسازان ورد ویزن پیش برده می شود. این بسته ها شامل لحاف، لوازم بهداشتی و دیگر نیازمندی های ضروری افراد آسیب پذیر در زمستان است.

قابل ذکر است که پدر و مادر امیری در دهه ۱۹۸۰ از افغانستان به آلمان مهاجر شدند و او اکنون در تیم بایرلورکوزن در لیگ دسته اول این کشور بازی می کند.

کاظمی قمی به عنوان سفیر جدید ایران در کابل معرفی شد

رییس جمهور ایران در امور افغانستان فعالیت داشت. روز گذشته ایران اعلام کرد که ماموریت بهادر امینیان، سفیر پیشین این کشور در کابل، به پایان رسیده است.

اطلاعیهای اعلام کرد که قمی همچنان نماینده ویژه رییس جمهور ایران در امور افغانستان خواهد بود. گفتنی است که کاظمی قمی از چند سال به این سو به عنوان نماینده ویژه

صبح ۸ کابل: خبرگزاری ایسنا گزارش داده که حسن کاظمی قمی به عنوان سفیر جدید ایران در افغانستان معرفی شده است. وزارت امور خارجه ایران روز شنبه، ۲۶ قوس، در



در تقدم تربیت بر تعلیم

تعلیم وسیله است و تربیت هدف؛ فلسفه پیدایش نظام‌های آموزشی تربیت بهتر انسان‌ها است، نه انباشتن ذهن‌شان با معلومات. با آن که این موضوع از بدیهیات به شمار می‌رود، اما در افغانستان چنان که باید، درک نشده و نظام‌های تعلیمی تا حد زیادی از ادای چنین رسالتی عاجز بوده‌اند. البته پرورش انسان‌ها تنها از راه تعلیم نمی‌گذرد و خانواده، اجتماع، گروه و حتی حلقه دوستان نزدیک در این زمینه موثرند، اما نظام آموزشی مهم‌ترین نقش را دارد. در افغانستان مفهوم تعلیم و تربیه عمدتاً در انتقال معلومات به شاگردان خلاصه شده و موضوع تربیت به فراموشی سپرده شده است. اولویت دادن به تربیت به این معناست که پرورش و شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز محور اساسی در کار نظام آموزشی باشد. پرورش درست شخصیت انسان نخست با سلامت روانی پیوند دارد؛ زیرا کودکان و نوجوانان در حساس‌ترین مراحل عمر خود قرار دارند و کاستی‌های موجود در محیط آموزشی به سلامت روانی آنان آسیب‌های جدی وارد خواهد کرد و موجب روان‌نژندی و روان‌پریشی مادام‌العمر خواهد شد. این مشکل در مدارس دینی به شکل بارزتری وجود دارد؛ نخست به علت دوری از آغوش خانواده و محرومیت از مهر و محبت لازم، دوم به علت نامتناسبات بودن از نظر سنی، سوم از نظر عدم تناسب برنامه‌های درسی با مراحل سنی و چهارم به علت محرومیت از زمینه‌های تفریحی که در این سن به شدت مورد نیاز است. مکاتب هرچند از این لحاظ کمی بهتر از مدارس دینی‌اند، اما در مقایسه با کشورهای پیشرفته چندان تفاوتی با مدارس ندارند. در واقع باید محیط آموزشی به شاگردان احساس شخصیت و عزت نفس بدهد، چیزی که در افغانستان حالت وارونه دارد و غالباً حس حقارت و بی‌شخصیتی را به آنان تلقین می‌کند. کسانی که تجربه زندگی در کشورهای دیگر را داشته باشند، به نامتعادل بودن رفتارهای بسیاری از بزرگسالان به آسانی پی خواهند برد و این از سطح کوچه و بازار گرفته تا ادارات دولتی و نهائیتاً تا قلمرو عرصه سیاست و قضایای کلان ملی خود را به شکل تنش‌های بی‌پایان و ناتوانی در تفاهم و همکاری نشان می‌دهد.

سلامت روانی در رفتار اجتماعی نمایان می‌شود و یادگیری آداب اجتماعی بخشی دیگر از مسوولیت‌های نظام آموزشی است تا عادت‌های پسندیده را جای‌گزین عادت‌های ناپسند در شخصیت شاگردان کند. از این رو باید نیمی از برنامه‌های آموزشی جنبه عملی داشته باشد تا به نهادینه شدن رفتارهای پسندیده اجتماعی در شخصیت دانش‌آموز بینجامد و این چیزی است که با صرف یادآوری زبانی و نصایح اخلاقی انجام‌پذیر نیست. در مراحل بالاتر، نیاز به پرورش توانایی‌هایی است که شاگرد را متکی به خود بار بیاورد، تا در زندگی انسانی موفق باشد و این در صورتی امکان‌پذیر می‌شود که مهارت‌های کار و فعالیت اقتصادی را بیاموزد و بتواند چرخ زندگی خود را بچرخاند. افزون بر همه این‌ها، باید در نظر گرفته شود که ما در دهکده‌ای جهانی زندگی می‌کنیم و در عین حالی که ریشه‌های هویتی خود را با گذشته فرهنگی و تمدنی خود زنده نگه می‌داریم، باید هم‌زمان شهروندی جهان‌شهری باشیم، چه در بینش و چه در آگاهی، تا توانایی مراد و تعامل با دیگر ساکنان زمین را پیدا کنیم. از این جهت سازمان‌های بین‌المللی متخصص در این زمینه در تعریف سواد و بی‌سوادی بازنگری کرده و این موارد را در قرن بیستم به عنوان معیارهای سواد در نظر گرفته‌اند: سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد مالی، سواد رسانه‌ای، سواد تربیتی، سواد تکنالوژی، سواد معلوماتی، سواد سلامتی، سواد نژادی و قومی، سواد زیست‌محیطی، سواد تحلیلی، سواد انرژی، و سواد علمی. ملت‌هایی که از این نظر بی‌سواد به شمار می‌روند، سرنوشت شان همین است که در افغانستان می‌بینیم.

سپنتا

طالبان با نصاب تعلیمی خود جامعه را تا سطح «مدرسه انتحاری پرور» تقلیل می‌دهند



۸ صبح، کابل: مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان در واکنش به نشر گزارش نتیجه کار کمیسیون تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی طالبان برای تغییر نصاب تعلیمی از سوی روزنامه ۸ صبح، می‌گوید که طالبان با این نصاب تعلیمی یک جامعه را تا سطح یک «مدرسه انتحاری پرور» تقلیل می‌دهند.

دکتر رنگین دادفر سپنتا، مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان، روز شنبه، ۲۶ قوس، با نشر توییتی نگاشته است: «ما با یک انقلاب عظیم ارتجاعی روبه‌رو هستیم؛ انقلابی که جامعه را هزار سال به عقب خواهد برد.»

او افزوده است: «با طرح بدوی‌ترین باورها، زنان جامعه را به شیء تقلیل دادند و حال با این نصاب تعلیمی یک جامعه را تا سطح یک مدرسه

انتحاری پرور تقلیل می‌دهند.»

به باور او، دانش‌آموزان اکنون به کسب دانش‌های امروزی و بشری نیاز دارند.

روزنامه ۸ صبح به گزارشی دست یافته که از سوی «کمیته بازنگری نصاب مکاتب عصری» تحت نظر کمیسیون تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی طالبان تهیه شده است.

براساس این گزارش، طالبان علاوه بر حذف تعدادی از مضامین نصاب آموزشی، ملاحظات و پیشنهادات زیادی را مطرح کرده‌اند که محتوای کتاب‌ها را مانند حاکمیت قبلی طالبان، متناسب با ایدیولوژی این گروه دگرگون می‌کند.

این سند در حالی همه‌گانی می‌شود که طالبان بارها از ساختن نصاب اسلامی خبر داده و آن را نیز نصاب‌های آموزشی در افغانستان خوانده‌اند.

آتش‌سوزی در تونل سالنگ دو کشته و ۲۵ زخمی برجای گذاشت



۸ صبح، پروان: منابع محلی در ولایت پروان می‌گویند که آتش‌سوزی در گذرگاه سالنگ، دو کشته و ۱۶ زخمی برجای گذاشته است.

این آتش‌سوزی حوالی ساعت ۸:۳۰ شنبه‌شب، ۲۶ قوس، در داخل تونل سالنگ رخ داده است. به گفته منابع، این آتش‌سوزی ناشی از انفجار یک تانکر نفت‌کش بوده است.

منابع اضافه می‌کنند که قربانیان این حادثه همه مسافران این گذرگاه‌اند.

در همین حال مسوولان حفظ و مراقبت سالنگ‌ها از مهار آتش‌سوزی خبر داده‌اند؛ اما منابع می‌گویند که طالبان تا کنون موفق به مهار آن نشده‌اند.

براساس معلومات، گذرگاه سالنگ در حال حاضر به روی ترافیک بسته است.

این گذرگاه یکی از شاهراه‌های کوهستانی کشور است که پیش از این نیز گواه چنین رویدادهایی بوده است.

۳۵۰ پناهجوی افغان به کانادا منتقل شدند



قتل‌ها بین ۱۲ تا ۱۴ سپتامبر در ولسوالی‌های دره و خنج ولایت پنجشیر رخ داده است.

در گزارش سازمان ملل آمده است که طالبان برخی از اعضای جبهه مقاومت ملی را که اسیر کرده بودند، به‌صورت فراقانونی اعدام کرده‌اند.

همچنان در این مدت، نه مورد قتل نیروهای نظامی پیشین که پنج مورد آن با شکنجه همراه بوده و ۲۹ مورد بازداشت خودسرانه این نیروها از سوی یوناما به ثبت رسیده است.

همچنان یوناما توانسته از آگست سال جاری میلادی هفت مورد بازداشت فعالان حقوق بشر و ۶۰ قضیه تهدید و بدرفتاری با آن‌ها را ثبت کند.

گزارش می‌افزاید که طی سه ماه اخیر ۲۰ اعتراض خیابانی صورت گرفته که بیش از نیمی از این گردهمایی‌ها برای درخواست مطالبات مدنی از سوی زنان سازمان‌دهی شده بود.

بربنیاد این گزارش، طالبان با خشونت و ایجاد ارباب این اعتراض‌ها را سرکوب کرده‌اند.

قرار است این گزارش تا سه روز دیگر، در ۲۰ سپتامبر به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شود.

۸ صبح، کابل: اداره مهاجرت، پناهنده‌گی و شهروندی دولت کانادا (IRCC) اعلام کرده است که ۳۵۰ پناهجوی دیگر افغان را به آن کشور انتقال داده است.

اداره مهاجرت، پناهنده‌گی و شهروندی دولت کانادا با نشر توییتی نوشته است که در ادامه روند انتقال شهروندان افغانستان به کانادا، ۳۵۰ پناهجوی دیگر روز جمعه، ۲۵ قوس، به کانادا منتقل شده‌اند.

این نهاد افزوده است که این پناهجویان در ۲۰ شهر مختلف در سراسر کانادا از جمله کلگری، اتاوا و تورنتو مستقر خواهند شد.

اداره مهاجرت، پناهنده‌گی و شهروندی حکومت کانادا همچنان تصریح کرده است که از آغاز این روند تاکنون، بیش از ۲۶ هزار و ۷۳۵ پناهجوی افغان، به کانادا انتقال داده شده‌اند.

مقام‌های کانادایی گفته‌اند که در میان پناهجویان منتقل شده، کسانی هستند که در ۲۰ سال اخیر، با نیروهای کانادایی و نهادهای مربوط به آن کشور در افغانستان کار کرده‌اند.

پیش از این، حکومت کانادا تعهد کرده بود که تا پایان سال ۲۰۲۳، حداقل ۴۰ هزار شهروند افغانستان را به آن کشور منتقل کرده و برای آنان زمینه اسکان را فراهم خواهد کرد.

گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، روند تخلیه افغان‌های آسیب‌پذیر به کشورهای اروپایی و امریکایی آغاز شد و در یک سال اخیر، بیشتر پناهجویان افغان از کشورهای منطقه به ویژه پاکستان و تاجیکستان به کشورهای خارجی منتقل شده‌اند.

سازمان ملل ۶۹ قتل توسط طالبان در پنجشیر را مستند کرده است

۸ صبح، کابل: دفتر نماینده‌گی سازمان ملل در کابل (یوناما) از مستندسازی ۶۹ قضیه قتل توسط طالبان در ولایت پنجشیر از اواسط سپتامبر امسال تاکنون خبر داده است.

این سازمان روز شنبه، ۲۶ قوس، در گزارشی گفته است که در این مدت طالبان ۱۴ مورد ساکنان محلی را به اتهام همکاری با جبهه مقاومت خودسرانه بازداشت و شش مورد مردم را شکنجه کرده‌اند.

یوناما در گزارشش افزوده است که ۴۸ مورد از این



وضعیت افغانستان تا سه روز دیگر زیر ذره‌بین شورای امنیت سازمان ملل خواهد رفت



۸ صبح، کابل: هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان یا یوناما از ارائه آخرین گزارش‌ها در مورد این کشور تا سه روز دیگر از سوی دبیر کل سازمان ملل متحد به شورای امنیت این سازمان خبر داده است.

یوناما پس از چاشت روز شنبه، ۲۶ قوس، خبر داده که قرار است نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۰ دسامبر در شهر نیویارک امریکا برگزار شود.

بربنیاد معلومات نشر شده، انتظار می‌رود در این

نشست آخرین گزارش فصلی دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد اوضاع افغانستان به شورای امنیت ارائه شود.

یوناما گفته که در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد، رزا اوتونبایوا، رییس یوناما، نیز سخنرانی خواهد کرد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در حالی وضعیت افغانستان را بررسی خواهد کرد که وزارت خارجه پاکستان به‌تازگی از سپردن اسناد و مدارک محکم در مورد پناهگاه‌های تی‌تی‌پی در خاک افغانستان به شورای امنیت خبر داده است.

مردم فقیر و خانه‌های سرد؛

طالبان هیچ برنامه‌ای برای فقرزدایی ندارند

شهروندان از وضعیت به‌شدت ناگوار اقتصادی رنج می‌برند. طالبان هیچ اما برنامه‌ای برای فقرزدایی روی دست نگرفته‌اند. در کنار این‌که برنامه خاصی ندارند، در بیشتر مناطق به دلیل خصومت‌های سمتی و گروهی روند کمک‌رسانی را نیز محدود ساخته‌اند. بر اساس گزارش‌ها، طالبان به نهادهای مدرسان در ولایت پنجشیر دستور داده‌اند که بدون هماهنگی آنان به روستاها و ولسوالی‌های این ولایت نروند.



به خیرات‌خوری ادامه بدهند، هیچ‌گامی روی خوشی را نخواهند دید.» از نظر این کارمند ارشد یکی از موسسه‌های بین‌المللی، کارمندان نهادهای خارجی و مردم باید برای «خرج و مصرف» پول‌های کمکی دل‌سوزی داشته باشند و نگاه اقتصادی درازمدت به آن پیدا کنند.

این در حالی است که اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) در شروع ماه قوس امسال به نقل از نهادهای مدرسان در کشور گزارش داد که این نهادها بودجه کافی برای کمک به نیازمندان در افغانستان ندارند. اداره سیگار به نقل از مارتین گریفیت، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد، آورد که برای کمک‌های بشردوستانه در سال پیش رو به نیازمندان در افغانستان، به ۴.۴ میلیارد دلار نیاز است، اما سازمان ملل متحد تنها ۱.۲۶ میلیارد دلار در اختیار دارد.

افزون بر این، برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد WFP نیز چندی پیش آمار تازه‌ای از بحران غذایی در افغانستان ارائه کرده است. براساس آمار این نهاد، از هر ۱۰ شهروند افغانستان، ۹ تن نمی‌توانند غذای کافی برای خود تهیه کنند.

فقر روزگار و ظلم طالبان

شهروندان از وضعیت به‌شدت ناگوار اقتصادی رنج می‌برند. طالبان هیچ اما برنامه‌ای برای فقرزدایی روی دست نگرفته‌اند. در کنار این‌که برنامه خاصی ندارند، در بیشتر مناطق به دلیل خصومت‌های سمتی و گروهی روند کمک‌رسانی را نیز محدود ساخته‌اند. براساس گزارش‌ها، طالبان به نهادهای مدرسان در ولایت پنجشیر دستور داده‌اند که بدون هماهنگی آنان به روستاها و ولسوالی‌های این ولایت نروند. یک گروه هفت‌نفری از کارمندان صندوق حفاظت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) که هفته گذشته برای بررسی وضعیت یکی از روستاهای ولسوالی دره این ولایت رفته بود، از سوی افراد طالبان بازداشت و تا پایان روز زندانی بوده‌اند. منابع گفته‌اند که این گروه در هماهنگی با مسولان محلی این گروه به ولسوالی دره رفته بودند، اما بازهم طالبان مانع بررسی و توزیع کمک به باشندگان محل شده‌اند.

از این پیش طالبان به حمایت از کوچی‌ها صدها خانواده را از خانه‌های رهائشی واقع در ولسوالی خواجه بهاولدین ولایت تخار اخراج کرده‌اند. این خانواده‌ها اکنون بدون دسترسی به غذای کافی و سرپناه مناسب در زیر خیمه‌ها روز و شب خود را سپری می‌کنند.

از سوی دیگر، شورای مهاجرت ناروی به‌تازگی گزارش داده است که طالبان حدود ۲۰ هزار بی‌جاشده داخلی در بادغیس را از یک کمپ مهاجران بیرون کرده‌اند. براساس گزارش این نهاد، این خانواده‌ها به وسایل گرم‌کن دسترسی ندارند و در هوای زیر صفر سرما با وضعیت رقت‌باری به سر می‌برند.

براساس گزارش‌ها، نیل ترنر، رییس شورای مهاجرت ناروی، گفته است: «مقام‌های محلی طالبان در بادغیس باید بدانند که آن‌ها در برابر شهروندان مسولیت دارند. نیاز است مقام‌ها پیش از اخراج خانواده‌های بیشتر اطمینان حاصل کنند که آنان سرپناه دارند و می‌توانند از خود حمایت کنند.» طالبان اما تاکنون در پیوند به این موضوع واکنشی نشان نداده‌اند.

ندیده است که به سراغ کارگر آمده باشد. او که از شدت فقر و جنگ در ولایت غور به هرات پناه برده است، می‌گوید که در آن‌جا نیز روزگارش تیره‌وتر است.

گل‌احمد که در یک خانه گلی در منطقه فرقه هرات زنده‌گی می‌کند، درامدش در هفته حدود ۴۰۰ افغانی است، اما همیشه نمی‌تواند کار پیدا کند. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «هفته‌ای دو روز یا سه روز کار برابر می‌شود و روزهای دیگر هفته بیکار، چون کار و غریبی نیست.»

گل‌احمد می‌افزاید: «کار نیست، مجبور هستیم یک روز تا شام به ۲۰۰ افغانی کار کنیم. کارگران زیاد است. بعضی‌ها تا ۱۵۰ افغانی در روز هم کار می‌کنند.» گل‌احمد دست خود را به سمت کارگران دیگر می‌برد و نشان می‌دهد: «این صف‌های طولانی را که می‌بینید، همه انتظار کار را می‌کشند، اما کار نیست.»

این مرد خاطر نشان می‌سازد که مسولیت تامین معشیت خانواده شش‌نفری را برعهده دارد. پرداخت کرایه خانه و بل برق به‌سان زنده‌گی برایش به یک چالش جدی مبدل شده است. او علاوه می‌کند: «به ماه دو هزار کار نمی‌شود، اما مجبور یک هزار و ۵۰۰ افغانی کرایه خانه بدهم. حداقل ماهی ۵۰۰ افغانی مجبور پول برق بدهم. کار نیست، به خرج خود بند مانده‌ایم.» او وقتی به سردی زمستان می‌نگرد، آهی سرد می‌کشد و می‌گوید اگر وضعیتش به همین منوال دوام کند، انتظار بهار را نخواهد داشت.

محمداکبر سال‌ها است که در کندز کارگری می‌کند. او به ۸صبح می‌گوید که در سال روان خورشیدی بیکاری به اوج خود رسیده است و او روزهای زیادی را بدون کار سپری می‌کند. محمداکبر که وظیفه‌اش چوب‌شکنی است، می‌گوید که سال‌های گذشته روزانه بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ افغانی درآمد داشته، اما حالا نمی‌تواند پول یک وقت غذای خانواده‌اش را پیدا کند. این کارگر کندزی می‌افزاید که برای زمستان سخت و سرمای جان‌سوز «ملک پکه و پوستین» توانسته تنها ۳۰ سیر چوب بخرد، اما نگران است که اعضای خانواده‌اش در زمستان پیش رو از سردی و گرسنگی جان بدهند.

با این حال، آگاهان امور اقتصادی به این باورند که کمک‌های جامعه جهانی، بحران اقتصادی افغانستان را حل نمی‌کند. به گفته آنان، کاهش فقر در کشور مستلزم برنامه‌های درازمدت فقرزدایی و گام نهادن به سوی توسعه و خودکفایی اقتصادی است. از نظر این آگاهان، جامعه جهانی به جای «خیرات دادن» روی توسعه زیربناها و برنامه‌های اقتصادی کار کند که هم در سرنوشت روزمره مردم تاثیر فوق‌العاده مثبت دارد و هم زمینه کار درازمدت را برای شهروندان مساعد می‌سازد. به باور آنان، کمک‌های مالی دو دهه گذشته نیز به‌شکل درست و براساس نیازمندی‌های اجتماع به مصرف نرسید.

یکی از این آگاهان که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸صبح توضیح می‌دهد که در حال حاضر در یکی از نهادهای بین‌المللی که تاکنون برای شهروندان افغانستان کمک می‌کند، وظیفه اجرا می‌کند. این آگاه اقتصادی می‌گوید: «در گذشته کمک‌های اقتصادی و توسعه‌ای بدون بررسی دقیق و تکنیکی انجام یافته بود، حال نیز همین روند ادامه دارد. در صورتی که مردم نیندیشند و به همین منوال

شهر کابل در صحبت با روزنامه ۸صبح، کابل را «شهر گدایان» توصیف می‌کنند و می‌گویند که در هر قدم یک گدا به پاهای عابران دست می‌اندازد و طلب خیرات می‌کند.

حسام‌الدین (نام مستعار) باشند کابل، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که بیش از یک‌ونیم سال بیکار بوده است. به گفته او، در این مدت از هیچ تلاشی برای پیدا کردن کار دریغ نکرده، اما هیچ زمینه و فضای کاری سراغ نکرده است. او می‌افزاید: «فضا برای کسی که طالب است، شاید خوب باشد، اما برای کسانی که غیرطالبانی می‌اندیشند، نه کار است و نه جایی برای زنده‌گی کردن.» او تاکید می‌کند: «وضعیت مردم در این شهر بسیار بد است. مردم زنده‌گی‌شان متکی به معاش و شرکت‌ها بود. همه از بین رفت، بیکار شدند. کابل به شهر گداها تبدیل شده. برق نیست، کار نیست، مصارف بلند و وضعیت به‌شدت خراب. حیران خدا مانده‌ایم که چه کنیم و این سیه‌روزی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.»

گل‌احمد، مردی کهن‌سال که فقر و تنگ‌دستی همه امیدهایش را برای زنده‌گی بهتر گرفته است. او روزها در منطقه بدمرغان شهر هرات برای پیدا کردن کار، در کنار خیابان می‌ایستد، اما کاری برایش پیدا نمی‌شود. او که باشنده اصلی ولایت غور است، برای پیدا کردن لقمه نانی به این شهر رفته است. او می‌گوید که در هفته دو یا سه روز می‌تواند کار پیدا کند.

این مرد کهن‌سال دو روز می‌شود که چشم‌هایش به کارفرمایان خیره شده، اما در این مدت هیچ کسی را

ترومای فقر و خنکای زمستان از عمده‌ترین چالش‌های پیش‌رو برای زیست جمعی در افغانستان است. شماری از شهروندان کشور که ماه‌ها بیکاری را تجربه کرده‌اند، حالا

گذار از سردی زمستان و گرسنگی یگانه امید و بزرگ‌ترین دغدغه زنده‌گی‌شان است. آنان روند کنونی زنده‌گی خود را به مرگ تدریجی و ادامه حیات در برزخ تشبیه می‌کنند و می‌گویند سرازیر شدن میلیون‌ها دالر هیچ تاثیر مثبتی در زنده‌گی آنان نداشته است.

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی کشور را ترک کرده‌اند. کارفرمایان خصوصی و بازرگانانی که برای هزاران شهروند شغل ایجاد کرده بودند، سرمایه‌های خود را از افغانستان بیرون کرده‌اند. در کنار این، طالبان با لغو نهادهای دولتی، صف گرسنه‌گان و فقیران را طولانی‌تر ساخته‌اند. به‌تازگی کمیته بین‌المللی نجات (IRC) افغانستان را سومین کشور فقیر جهان خوانده است. در جریان یک‌ونیم سال گذشته جامعه جهانی و در رأس ایالات متحده آمریکا، نزدیک به دو میلیارد دالر به افغانستان کمک کرده است. طالبان اما هیچ برنامه‌ای برای فقرزدایی در کشور روی دست نگرفته‌اند.

کمیته بین‌المللی نجات (IRC) در گزارش تازه خود افغانستان را سومین کشور در معرض فقر تشخیص داده است. این کمیته که فهرست نظارتی سالانه اضطراری خود را منتشر کرده، گفته است که از ۲۰ کشوری که در معرض فاجعه انسانی قرار دارند، افغانستان پس از سومالی و اتیوپی، سومین کشور است. افزون بر این، هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوچا) در بیانیه‌ای، از افزایش نیازهای بشری مردم افغانستان در سال ۲۰۲۳ خبر داده است. این نهاد روز جمعه، ۱۱ قوس، با نشر آمار تازه‌ای گفته است که در سال آینده بیش از ۲۰ میلیون تن در افغانستان با گرسنگی و بیش از ۳۰ میلیون تن با کمبود آب مواجه خواهند شد. اوچا اعلام کرده‌اند که شش میلیون تن در افغانستان در یک‌قدمی قطعی قرار دارند.

سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مدرسان در حالی از تداوم فقر و گرسنگی در افغانستان ابراز نگرانی می‌کنند که شهروندان کشور از شدت فقر و بی‌سرنوشتی، خودکشی را آخرین گزینه می‌دانند. به گفته آنان، وقتی نتوانند نان خود و اعضای خانواده‌شان را پیدا کنند، راهی به جز خودکشی برای‌شان باقی نخواهد ماند.

شماری از شهروندان در شهرهای بزرگ کشور از شدت فقر و بیکاری به ستوه آمده‌اند. برخی از باشندگان



امین کاوه

این در حالی است که اداره بازرسی

ویژه آمریکا در امور بازسازی

افغانستان (سیگار) در شروع ماه

قوس امسال به نقل از نهادهای

مدرسان در کشور گزارش داد که

این نهادها بودجه کافی برای کمک

به نیازمندان در افغانستان ندارند.

اداره سیگار به نقل از مارتین

گریفیت، معاون دبیرکل سازمان

ملل متحد، آورد که برای کمک‌های

بشردوستانه در سال پیش رو به

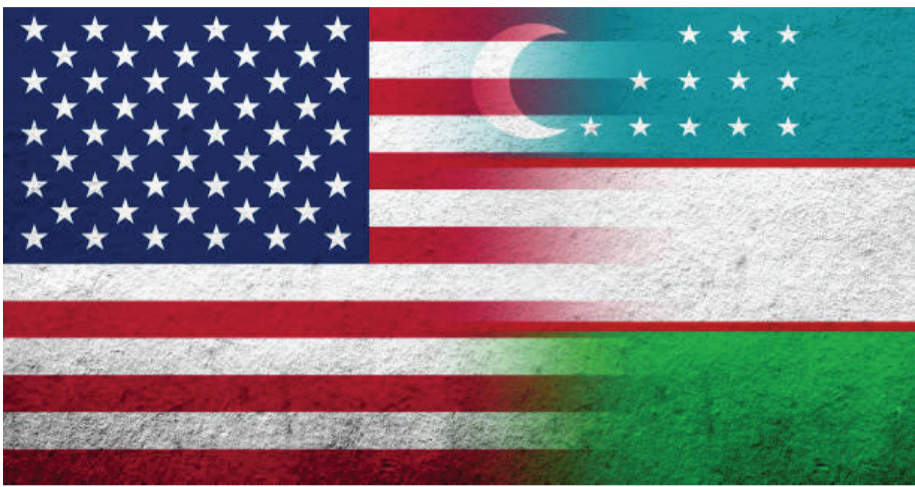
نیازمندان در افغانستان، به ۴.۴

میلیارد دالر نیاز است، اما سازمان

ملل متحد تنها ۱.۲۶ میلیارد دالر در

اختیار دارد.

«همکاری استراتژیک» اوزبیکستان و آمریکا



یونس نگاه

یک) به تاریخ ۱۳ دسامبر وزارت خارجه ایالات متحده اعلامیه‌ای را با این عنوان نشر کرد: اعلامیه مشترک گفتمان همکاری استراتژیک ایالات متحده- اوزبیکستان. همکاری استراتژیک بین ایالات متحده و اوزبیکستان چگونه است و چه زمان آغاز شده است؟ اوزبیکستان از این همکاری چه انتظار دارد؟ ایالات متحده چه می‌خواهد؟ اثر این همکاری بر منطقه و افغانستان چیست؟

پیش از آن که به خبر درج‌شده در اعلامیه ۱۳ دسامبر بپردازیم، خوب است بدانیم که دونالد لو، معین وزیر خارجه آمریکا در امور جنوب آسیا و آسیای میانه، از تاریخ ۶ تا ۱۱ ماه نوامبر به آسیای میانه سفر کرد تا به ترکمنستان، اوزبیکستان و قزاقستان از تعهد ایالات متحده به حمایت از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی آن کشورها اطمینان بدهد و بگوید که کشورش «به آسیای میانه مرفه، مصون و دموکراتیک» متعهد است. نام تاجیکستان و قرغیزستان در اعلامیه مربوط به سفر آقای لو ذکر نشده است و قید دموکراتیک نیز در این عبارات قابل توجه است. اوزبیکستان در آسیای میانه، مورد توجه ویژه ایالات متحده است و به نظر می‌رسد دو طرف به این توافق رسیده‌اند که اوزبیکستان بیری «دموکراسی» و در واقع همکاری استراتژیک با آمریکا را در این منطقه به دست گیرد. اولین همکاری‌های دو کشور به دورانی برمی‌گردد که در سال ۲۰۰۱، ایالات متحده علیه طالبان دست به اقدام نظامی زد و پس از آن کمپین نظامی و سیاسی پرهزینه‌ای را در افغانستان و منطقه راه انداخت. در آن جریان، اوزبیکستان یکی از همکاران استراتژیک بود و دو کشور در مارچ ۲۰۰۲ موافقت‌نامه‌ای را به این ارتباط امضا کردند.

در اعلامیه اخیر وزارت خارجه آمریکا آمده است که آقای لو در سفر ماه نوامبرش با مقام‌های دولتی، نماینده‌گان



جامعه مدنی و گروه‌های فرهنگی اوزبیکستان دیدار کرده است تا کمک‌ها برای «تقویت زنان و دختران و آزادی‌های دینی و عقیدتی» افزایش یابد. در شرح دیدار دونالد لو از ترکمنستان و قزاقستان از کمک به دموکراسی، تقویت نقش زنان و دختران و آزادی عقیده سخن نرفته است. در خبرها و اعلامیه‌های مربوط به رابطه ایالات متحده و کشورهای آسیای میانه در چند سال اخیر نکات بسیاری از اهمیت ویژه اوزبیکستان و گرمی روزافزون روابط آمریکا با آن کشور دیده می‌شود. زمینه این رابطه را تحولات داخلی اوزبیکستان مساعد ساخته است که در بخش چهارم این نوشته به آن می‌پردازیم.

دو: در اعلامیه ۱۳ دسامبر نیز آقای دونالد لو، معین وزارت خارجه ایالات متحده، میزبان اصلی هیات اوزبیکستانی بوده است. او که ریشه چینی دارد، از

کادرهای مهم دیپلماسی آمریکا در کشورهای بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی است. پیش از این در البانیا و قرغیزستان سفیر بوده و در گرجستان، آذربایجان، پاکستان و هند نیز ماموریت‌هایی اجرا کرده است. او چند سال بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه پیوسته و از آن زمان تا کنون مشغول کار در این منطقه بوده است.

رهبری هیات اوزبیکستان را وزیر خارجه آن کشور، ولادیمیر نوروف، داشته است که مثل دونالد لو سابقه طولانی کار در وزارت خارجه کشورش را دارد. او امسال در ماه سپتامبر به این پست تعیین شد، ولی قبل از آن نیز چهار سال (۲۰۰۶-۲۰۱۰) وزیر خارجه بود و علاوه بر آن در سه دهه گذشته در آلمان، بلجیم، سوئیس و پولند سفارت کرده و مدتی معین وزیر خارجه بوده است. گفت‌وگوهایی از این‌دست میان آمریکا و اوزبیکستان تازه نیست و در سال‌های گذشته نیز انجام می‌شده است. سال‌ها است بین اوزبیکستان و ایالات متحده اجلاس سالانه برای همکاری‌های استراتژیک برگزار می‌شود و در جریان هر سال، گفت‌وگوها و سفرها و پروژه‌های بسیار تبادل می‌گردد. البته این پلتفورم مشخص که عنوان آن را گفتمان همکاری استراتژیک گذاشته‌اند، پارسال وقتی ایالات متحده افغانستان را ترک می‌گفت، آغاز شده است. از این رو حق این تبصره را داریم که بگوییم گرمی روابط آمریکا با اوزبیکستان به وضعیت افغانستان و برنامه‌هایی که آمریکا از اوکراین تا آسیای میانه در همسایه‌گی‌های روسیه انجام می‌دهد، بی‌ارتباط نیست.

در گرمی روابط دو کشور شکی نیست و اعلامیه مشترک ۱۳ دسامبر، پر از عبارات و توصیف‌های داغ دیپلماتیک است. نوشته‌اند که در پلتفورم مذکور مسایل و اولویت‌های مشترک بسیاری بین دو کشور بحث شده است و ایالات متحده از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی همکار آسیای میانه‌اش حمایت «تزلزل‌ناپذیر» می‌کند. در مسایل آسیای میانه و اوزبیکستان «حمایت از تمامیت ارضی و استقلال» در سخنان مقام‌های آمریکا یک عبارت کلیدی است و بارها تکرار می‌شود. «امنیت و رفاه» عبارت کلیدی دیگر است. سومین عبارت کلیدی «اصلاحات و دموکراسی» است.

این لحن و عبارات حکایت از تعمیق روابط بین دو کشور دارد و قرار است اوزبیکستان همکار منطقه‌ای مهم آمریکا باشد. برای این همکاری اوزبیکستان تعهد سپرده است تا از گذشته روسی-شوروی‌اش فاصله گیرد (اصلاحات) و به بلوک آمریکا نزدیک شود (دموکراسی). در بدل، ایالات متحده از استقلال آن کشور در برابر نفوذ روزافزون چین و میل تاریخی روسیه به اعمال نفوذ در آسیای میانه حفاظت خواهد کرد، از تمامیت ارضی‌اش در برابر جدایی‌طلبی (قره‌قالپاقستان) و دعوای مرزی با تاجیکستان و قرغیزستان حمایت خواهد کرد، در تامین امنیتش در برابر شورش‌های داخلی و نفوذ تروریستان از افغانستان (طالبان) یاری خواهد رساند و در رشد اقتصادی و جلب سرمایه‌های خارجی کمکش خواهد کرد (امریکا در سال‌های اخیر برای گشودن بازار اوزبیکستان به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی برنامه‌هایی را تطبیق کرده است و در نتیجه فعالیت انجوها و سازمان‌هایی چون یواس‌اید و بانک جهانی در آن کشور افزایش یافته است).

در آن اعلامیه آمده است که هر دو کشور روی آجندای اصلاحات اوزبیکستان صحبت کرده‌اند. اصلاحات اوزبیکستان با به قدرت رسیدن شوکت میرضایوف، رییس جمهور کنونی، در سال ۲۰۱۶ آغاز شده است. ایالات متحده، اصلاحات را بلندپروازانه خوانده و گفته است که برای پیش‌برد این اصلاحات کمک‌های عملی

در گرمی روابط دو کشور شکی نیست و اعلامیه مشترک ۱۳ دسامبر، پر از عبارات و توصیف‌های داغ دیپلماتیک است. نوشته‌اند که در پلتفورم مذکور مسایل و اولویت‌های مشترک بسیاری بین دو کشور بحث شده است و ایالات متحده از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی همکار آسیای میانه‌اش حمایت «تزلزل‌ناپذیر» می‌کند.

می‌کند. در اعلامیه آمده است که طرفین در ارتباط به وضعیت جاری افغانستان نیز گفت‌وگو کرده‌اند و ایالات متحده از اوزبیکستان به خاطر همکاری در مساعدت‌های بشردوستانه‌اش به افغانستان تشکر کرده است.

سه: در اعلامیه صحبت از دیدار گروه کاری مردم-یا-مردم در ماه سپتامبر یاد شده و دونالد لو از ولادیمیر نوروف به خاطر حمایت کشورش از برنامه‌های جاری آموزش انگلیسی در اوزبیکستان تشکر کرده است. ترویج زبان انگلیسی و اصلاح نظام آموزشی اوزبیکستان، بخش مهمی از این همکاری‌ها است. ترویج زبان انگلیسی در اوزبیکستان، آن کشور را در بیرون شدن از سایه روسیه و پیوستن به بازار و سیاست غرب کمک می‌کند.

یک روز قبل از آن، وزیر خارجه اوزبیکستان با همتای آمریکایی‌اش انتونی بلینکن نیز دیدار کرده بود. او نیز مثل معینش، از «حمایت تزلزل‌ناپذیر» ایالات متحده از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت اوزبیکستان سخن گفته بود. آن دو از حمایت کشورهای‌شان از مردم اوکراین و افغانستان نیز صحبت کرده بودند. تذکر نام افغانستان و اوکراین در اعلامیه، حکایت از نزدیکی ویژه اوزبیکستان به آمریکا دارد؛ چرا که جمهوری‌های شوروی سابق به دلیل روابط پیچیده‌ای که با روسیه دارند، موضع گرفتن در مساله اوکراین برای‌شان آسان نیست.

اعلامیه، جیوپولیتیک آسیایی میانه را در حال تحول خوانده و نوشته است که ایالات متحده در این شرایط متحول همکار ثابت‌قدم اوزبیکستان می‌باشد. در اعلامیه دومی نوشته شده است که آقای بلینکن حکومت اوزبیکستان را تشویق کرده تا اصلاحات را به‌شکل کامل عملی کند، از جمله اقداماتی برای حفاظت از حقوق بشر و حقوق اساسی شهروندان، حمایت از جامعه مدنی، تامین آزادی رسانه‌ها و مبارزه با خشونت جنسیتی (خشونت علیه زنان) انجام دهد. آقای بلینکن خواهان تحقیقات منصفانه و شفاف در مورد ناآرامی‌های اخیر در قره‌قالپاقستان شده و گفته است که ایالات متحده در ساختن آسیای میانه مرفه، امن و دموکراتیک متعهد است.

برای درک سابقه اصلاحات اوزبیکستان و چندوچون آن، باید به تحول سیاسی که در سال ۲۰۱۶ بعد از مرگ رییس جمهور سابق آن کشور، اسلام کریموف، رخ داد نگاهی بکنیم. می‌دانید که در کشورهای بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی، تحولات سیاسی از چند الگوی معروف پیروی کرده است. الگوی اول حاکمیت رهبر یا رییس جمهور تا دم مرگ است.

وزیر نوروف در نوزدهمین اجلاس شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا (۱-۲ دسامبر) که در پولند برگزار شده بود، گفته است کشورش در حال گذر از یک تحول بی‌پیشینه در تاریخ معاصرش است و می‌خواهد قانون اساسی خود را اصلاح کند. او گفته است که هدف از اصلاح قانون اساسی، ایجاد فضای مناسب برای تطبیق استراتژی‌های درازمدت در اوزبیکستان جدید و تضمین اصلاحات بی‌برگشت دموکراتیک است. به گفته او، مسوده قانون اساسی جدید در اختیار مردم قرار داده شده است تا در مورد آن نظر بدهند و بعد از آن از طریق رفراندوم تصویب خواهد کرد. در همین حال، اوزبیکستان امسال پلان توسعه‌ای ۲۰۲۲-۲۰۲۶

را معرفی کرده است که براساس آن دموکراسی، حقوق بشر، آزادی رسانه‌ها، استقلال قوه قضاییه، حاکمیت قانون، آزادی عقیده و مبارزه با فساد تقویت می‌شود. این‌ها محتوای همان گذار بی‌پیشینه‌ای است که نوروف از آن سخن گفته است و همتای آمریکایی‌اش نیز ابراز امیدواری کرده که اوزبیکستان آن اصلاحات را به‌طور کامل اجرا کند.

به تاریخ ۲ دسامبر امسال وزارت خارجه ایالات متحده اعلامیه‌ای را در ارتباط به عدم آزادی‌های دینی در جهان نشر کرد که در آن از همسایه‌گان اوزبیکستان (افغانستان زیر سلطه طالبان، ترکمنستان، تاجیکستان) و نیز چین به‌عنوان ناقضان این آزادی‌ها یاد کرده، ولی از اوزبیکستان ذکری نرفته است. این می‌تواند نشانه پیشرفت نسبی اوزبیکستان در این عرصه و نیز دلیل همدلی آمریکا باشد؛ چرا که آمریکا از اعلامیه‌ها، لیست‌های سیاه و موضع‌گیری‌ها حقوق‌بشری‌اش چون ابزار سیاسی بهره می‌گیرد.

چهار: برای درک سابقه اصلاحات اوزبیکستان و چندوچون آن، باید به تحول سیاسی که در سال ۲۰۱۶ بعد از مرگ رییس جمهور سابق آن کشور، اسلام کریموف، رخ داد نگاهی بکنیم. می‌دانید که در کشورهای بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی، تحولات سیاسی از چند الگوی معروف پیروی کرده است. الگوی اول حاکمیت رهبر یا رییس جمهور تا دم مرگ است. در تعدادی از این کشورها، اشخاصی با عنوان رییس جمهور با برگزاری انتخابات نمایشی یا بدون انتخابات تمام عمر در قدرت مانده‌اند، مثل صفر مراد نیازف، امام‌علی رحمان و اسلام کریموف. در این الگو در برخی از کشورها بعد از مرگ رییس جمهوری تمام عمر، فرد تازه‌ای از درون همان نظام و از نزدیکان سیاسی رییس متوفا به قدرت می‌رسد؛ اما سیاست نظام تغییر چندان نمی‌بیند (مثل ترکمنستان). الگوی دوم انقلاب‌های رنگین است. در این گروه از کشورها شورش‌ها و آشوب‌های خونین و تفرقه‌انگیز رخ داده و درگیری‌های دوام‌داری چون آن‌چه در اوکراین شاهدیم، باعث فروپاشی و جنگ‌های خون‌بار شده است. انقلاب نارنجی اوکراین در سال ۲۰۱۳ بحرانی را کلید زد که به‌تدریج آن کشور را به جنگ تمام‌عیار کشید. انقلاب گل لاله قرغیزستان در سال ۲۰۰۵، کشور بی‌ثبات و نظام فاسدی را به‌جا گذاشت که صاحب اردو، استخبارات و اداره استبدادی چون همسایه‌گانش نیست، اما هنوز نهادهای دموکراتیکش را نیز به ثبات نرسانده است و بر لبه پرتگاه آشوب می‌لرزد. انقلاب گل سرخ گرجستان در سال ۲۰۰۳ که نظام بازمانده از شوروی را سرنگون و تمایل به غرب را تثبیت کرد، واکنش خشمگین روسیه را برانگیخت و جنگ‌های خونینی بین دو کشور باعث از دست رفتن ابخازیا و اوستیای جنوبی شد که گرجستان ادعا داشت بخش‌هایی از سرزمینش است.

اوزبیکستان مسیر متفاوتی را پیموده و از گذشته شوروی و روسی‌اش به‌شکل صلح‌آمیز و نظام‌مند دور می‌شود. در اوزبیکستان انقلاب رنگین رخ نداده است، اما روند دموکراتیک سال‌ها است که آغاز شده و به آرامی به پیش رانده می‌شود. در آن کشور، اسلام کریموف تا پایان عمر و به شیوه همتایان ترکمنستانی و تاجیکستانی‌اش حکومت کرد، اما اداره‌ای که از او به میراث ماند، بعد از مرگش دروازه‌های کشور را گشود، با همسایه‌گان روابط حسنه برقرار کرد، به دعوای مرزی از طریق گفت‌وگو و مصالحه پرداخت و فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را نیز به‌طور نسبی گشود.

شوکت میرضایوف، رییس جمهور کنونی اوزبیکستان، از نزدیکان سیاسی و سیاستمدار مورد اعتماد اسلام کریموف بود. او از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ صدراعظم دولت اسلام کریموف بود و زمانی که در سپتامبر ۲۰۱۶ رییس‌ش چشم از جهان بست، به‌شکل مسالمت‌آمیز قدرت را به دست گرفت. اگر در جریان تثبیت قدرت او، تنش‌ها و کش‌مکش‌هایی در درون حلقه اصلی قدرت اوزبیکستان رخ داده، به رسانه‌ها و جهان بیرون گزارش نشده است. روایت رسمی این است که براساس ماده ۹۶ قانون اساسی اوزبیکستان، باید رییس سنای آن کشور که آن زمان کسی به نام نیگماتیلای یولداشوف بود، بعد از مرگ رییس جمهور دولت موقت اعلام می‌کرد و انتخابات برگزار می‌شد؛ اما او پیشنهاد کرد که میرضایوف که صدراعظم بود، دولت تشکیل دهد. ولسی‌جرگه نیز آن پیشنهاد را تأیید کرد و به تاریخ هشتم سپتامبر ۲۰۱۶، ضیایوف دولت موقت تشکیل داد. ضیایوف که خود را ادامه‌دهنده راه سلفش می‌خواند و برای اسلام کریموف مزار پرشکوهی ساخت، از او چون شخصیت ملی تجلیل نمود و سیاست‌های متفاوتی پیشه کرد.

اختلافات شخصی اداره احصایه بادغیس را تعطیل کرده است



۸ صبح، بادغیس

آمریت احصایه و معلومات در ولایت بادغیس از بیست روز به این سو فعالیتش را توقف داده است. در این جریان هیچ یک از مراجعان نتوانسته تذکره برقی یا کاغذی به دست بیاورد. باشندگان بادغیس از بسته بودن این امریت شکایت دارند و خواهان از سرگیری فعالیت این اداره اند. مسوولان محلی در بادغیس تاکنون علت بسته بودن درب این اداره را توضیح نداده اند، اما منابع می گویند که اختلاف های درونی میان والی و فرمانده امنیه این ولایت سبب شده که فعالیت امریت احصایه و معلومات متوقف شود. باشندگان ولایت بادغیس می گویند که تذکره برقی و کاغذی از حقوق و نیازمندی های اساسی آنان است. به گفته آنان، برای اجرای کارهای اداری، دریافت کمک ها، سفر و پیش برد بیشتر کارها به تذکره نیاز دارند. عبدالغفور، باشندگان یکی از مناطق دوردست ولایت بادغیس، می گوید: «موسسه ها برای سروی به منطقه ما آمدند تا پس از روند سروی برای ما کمک و مواد غذایی توزیع کنند، اما نسبت این که تذکره نداشتیم، از روند سروی باز ماندم و برایم گفتند که برای اخذ تذکره مراجعه کنید و پس از داشتن تذکره شامل لیست کمک ها می شوید.» او می افزاید که در جریان ۱۰ روز گذشته سه بار برای دریافت تذکره کاغذی مراجعه کرده، اما اداره احصایه تعطیل بوده است. نگهبانان این اداره برایش گفته اند تا زمانی که از سوی والی طالبان هدایت داده نشود، امریت احصایه فعالیت هایش را از سر نخواهد گرفت.

فعالیت های امریت احصایه ولایت بادغیس پس از آن متوقف شد که یک کارمند مرکز توزیع تذکره برقی چندی پیش از سوی فرمانده امنیه طالبان برای بادغیس لتوکوب شد. بر اساس اظهارات منابع محلی، این فرد خود را از نزدیکان فرمانده امنیه طالبان معرفی کرده بود، اما کارمند توزیع تذکره برقی برایش گفته است که «من فرمانده امنیه را نمی شناسم.» فرمانده امنیه طالبان برای این ولایت، پس از شنیدن صدای این کارمند، به بخش امریت تذکره برقی رفته و این کارمند را به شدت لتوکوب کرده است.

عبدالقدوس، باشندگان ولسوالی بالامرغاب ولایت بادغیس، با طالبان رابطه خویشاوندی دارد و مدتی

با این گروه نیز در جنگ های داخلی اشتراک داشته است. عبدالقدوس اکنون به شهر قلعه نو آمده و قرار است در یکی از بخش های اداری این ولایت استخدام شود. این باشندگان بادغیس از بیست روز به این سو منتظر دریافت تذکره مانده، اما موفق نشده است. او می گوید: «این جا قلعه نو آمده ام تا بروم سر وظیفه. به ما گفتند برو برای خود تذکره بگیر، بعد بیا تا راجستر کنیم و به کار خود شروع کن.» عبدالغفور و عبدالقدوس تنها افرادی نیستند که از تعطیلی شعبه های تذکره کاغذی و برقی در ولایت بادغیس شکایت دارند. شمار زیادی از باشندگان این ولایت می گویند که تعطیلی امریت احصایه آنان را با چالش مواجه ساخته است. آنان از مسوولان محلی به ویژه والی و فرمانده امنیه طالبان در ولایت بادغیس می خواهند تا اختلاف های خود را حل کنند و مانع ارایه خدمات عامه به باشندگان این ولایت نشوند. این در حالی است که منابع در ولایت بادغیس به روزنامه ۸ صبح تأیید می کنند که امریت احصایه این ولایت به دلیل اختلاف های درونی طالبان تعطیل شده است. منابع توضیح می دهند که اختلاف های شخصی میان عبدالصمد جاوید، والی طالبان در بادغیس و عبدالستار صابر، فرمانده امنیه این گروه، سبب شده که این اداره فعالیت هایش را به گونه کامل متوقف کند. بیش از بیست روز از توقف فعالیت این امریت می گذرد، ولی روشن نیست که چه زمانی کار آن از سر گرفته خواهد شد.

فعالیت های امریت احصایه ولایت بادغیس پس از آن متوقف شد که یک کارمند مرکز توزیع تذکره برقی چندی پیش از سوی فرمانده امنیه طالبان برای بادغیس لتوکوب شد. بر اساس اظهارات منابع محلی، این فرد خود را از نزدیکان فرمانده امنیه طالبان معرفی کرده بود، اما کارمند توزیع تذکره برقی برایش گفته است که «من فرمانده امنیه را نمی شناسم.» فرمانده امنیه طالبان برای این ولایت، پس از شنیدن صدای این کارمند، به بخش امریت تذکره برقی رفته و این کارمند را به شدت لتوکوب کرده است. این کارمند امریت تذکره برقی از نزدیکان والی طالبان برای بادغیس است. با این حال، والی طالبان برای بادغیس در واکنش به این اقدام فرمانده امنیه این گروه، دستور داده است تا امریت احصایه ولایت بادغیس که شامل بخش های تذکره های الکترونیک و کاغذی می شود، تعطیل شود. منابع می گویند که اختلاف ها میان والی و فرمانده امنیه طالبان برای ولایت بادغیس هنوز پابرجا است و مشخص نیست که امریت احصایه چه زمانی فعالیت هایش را از سر خواهد گرفت.

«همکاری استراتژیک»...

د امریکا برای تبدیل افغانستان به پایگاه منطقه ای اش بسیار کوشید. پروژه های دولت سازی، ترویج دموکراسی، حمایت از آزادی بیان و طرح برنامه های انکشافی، تشکیل اردو و پولیس و حمایت از برنامه های تعلیمی و تحصیلی زمانی در افغانستان بسیار گرم بود، اما آن روند موفق نشد.

به تاریخ چهارم دسامبر همان سال انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و از میان چهار کاندیدا، آقای ضیا یوف با ۸۸.۶ درصد رای، برنده اعلام گردید. گفته می شود که سه کاندیدای دیگر نیز در واقع همان سیاست هایی را تبلیغ می کردند که ضیا یوف پیشه کرده بود و فعالان روند مشترکی بودند که منجر به ایجاد نظام کنونی و حاکمیت ضیا یوف شد.

۱. اوزبیکستان تعهد سپرده است که حرکتش را به مسیر لیبرالیزه کردن اقتصاد ادامه خواهد داد و امریکا نیز وعده حمایت های تخنیکی از طریق یواس اید، بانک جهانی و نهادهای دیگر بین المللی و دولت امریکا را سپرده است.

۲. اوزبیکستان وعده سپرده است که روابطش را با جهان غرب تقویت بخشد و امریکا در بدل وعده کمک در ترویج آموزش زبان انگلیسی و تربیت کادرهای مسلکی آن کشور را داده است.

۳. اوزبیکستان تعهد سپرده است که در مساله اوکراین و افغانستان با روس ها همکاری نکند (در اعلامیه صحبت از حمایت های بشردوستانه از مردم اوکراین و افغانستان شده است) و امریکا در عوض حمایت تزلزل ناپذیرش را از تمامیت ارضی و حفظ امنیت آن کشور ابراز داشته است که به معنای حمایت از موضع تاشکند در بحران قره قاپاقستان و جلوگیری از نفوذ شورشیان از خاک افغانستان می باشد.

۱) دولت و جامعه؛
۲) حاکمیت قانون و سیستم قضایی؛
۳) توسعه اقتصادی؛
۴) پالیسی اجتماعی؛
۵) پالیسی های امنیتی، سیاست خارجی، ملیت ها و دین.

در چارچوب این استراتژی، گام هایی برای گشودن اقتصاد به روی سکتور خصوصی، جلب سرمایه های خارجی، آزادی رسانه ها و جامعه مدنی برداشته شد. طبق گزارش ها، برای تقسیم قدرت بین سه قوا نیز اقداماتی انجام شده است، از جمله پارلمان صاحب صلاحیت هایی چون تایید وزیران و رییسان کمیسیون های دولتی و نیز تایید بودجه سالانه دولت شده است و برای استقلال قوه قضایه نیز دولت تعهداتی سپرده و به مجامع بین المللی بارها وعده داده است که استقلال این قوه را به رسمیت می شناسد.

گشایش بازار و اقتصاد به روی تشبثات خصوصی و سرمایه گذاران خارجی، باعث تحرک اقتصادی شده است. گفته می شود که در سال ۲۰۱۹ رقم تشبثات چینی ثبت شده در اوزبیکستان به یک هزار و ۶۰۰ شرکت می رسد. از دیگر کشورهای منطقه چون روسیه، ترکیه، ایران و حتا افغانستان تشبثات بسیاری به اوزبیکستان رفته و سرمایه گذاری کرده اند. در بالا یادآور شدیم که اوزبیکستان مسیر اصلاحات را با خون سردی پیموده و می کوشد از گذشته روسی-شوروی اش به آرامی به سمت الگوهای غربی حرکت کند. به همین دلیل روابطش را با مسکو فعال نگه داشته است. در شروع اصلاحات، در اپریل ۲۰۱۷ ولادیمیر پوتین وعده داد که کشورش در اوزبیکستان ۱۲ میلیارد دالر سرمایه گذاری خواهد کرد و بین دو کشور به ارزش سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر قراردادهای تجاری امضا شد.

اکنون اوزبیکستان دومین استراتژی انکشافی پنج ساله اش (۲۰۲۲-۲۰۲۶) را معرفی کرده و برای تحقق آن با اتحادیه اروپا، بانک جهانی، ایالات متحده و دیگر همکاران غربی گفت و گو کرده و حمایت آن ها را طلب می کند. در گفت و گوهای اخیر که از یک ماه به این سو بین مقام های امریکایی و اوزبیک جریان داشته و به تاریخ ۱۳ ماه جاری با اعلامیه مشترک جمع بندی گردیده، بین طرفین تعهدات بسیاری ردوبدل شده است. برای جمع بندی این نوشته، عرصه های همکاری و تعهدات طرفین را دوباره مرور می کنیم:

۱. اوزبیکستان تعهد سپرده است که حرکتش را به مسیر لیبرالیزه کردن اقتصاد ادامه خواهد داد و امریکا نیز وعده حمایت های تخنیکی از طریق یواس اید، بانک جهانی و نهادهای دیگر بین المللی و دولت امریکا را سپرده است.

۲. اوزبیکستان وعده سپرده است که روابطش را با جهان غرب تقویت بخشد و امریکا در بدل وعده کمک در ترویج آموزش زبان انگلیسی و تربیت کادرهای مسلکی آن کشور را داده است.

۳. اوزبیکستان تعهد سپرده است که در مساله اوکراین و افغانستان با روس ها همکاری نکند (در اعلامیه صحبت از حمایت های بشردوستانه از مردم اوکراین و افغانستان شده است) و امریکا در عوض حمایت تزلزل ناپذیرش را از تمامیت ارضی و حفظ امنیت آن کشور ابراز داشته است که به معنای حمایت از موضع تاشکند در بحران قره قاپاقستان و جلوگیری از نفوذ شورشیان از خاک افغانستان می باشد.

۱) دولت و جامعه؛
۲) حاکمیت قانون و سیستم قضایی؛
۳) توسعه اقتصادی؛
۴) پالیسی اجتماعی؛
۵) پالیسی های امنیتی، سیاست خارجی، ملیت ها و دین.

در چارچوب این استراتژی، گام هایی برای گشودن اقتصاد به روی سکتور خصوصی، جلب سرمایه های خارجی، آزادی رسانه ها و جامعه مدنی برداشته شد. طبق گزارش ها، برای تقسیم قدرت بین سه قوا نیز اقداماتی انجام شده است، از جمله پارلمان صاحب صلاحیت هایی چون تایید وزیران و رییسان کمیسیون های دولتی و نیز تایید بودجه سالانه دولت شده است و برای استقلال قوه قضایه نیز دولت تعهداتی سپرده و به مجامع بین المللی بارها وعده داده است که استقلال این قوه را به رسمیت می شناسد.

گشایش بازار و اقتصاد به روی تشبثات خصوصی و سرمایه گذاران خارجی، باعث تحرک اقتصادی شده است. گفته می شود که در سال ۲۰۱۹ رقم تشبثات چینی ثبت شده در اوزبیکستان به یک هزار و ۶۰۰ شرکت می رسد. از دیگر کشورهای منطقه چون روسیه، ترکیه، ایران و حتا افغانستان تشبثات بسیاری به اوزبیکستان رفته و سرمایه گذاری کرده اند. در بالا یادآور شدیم که اوزبیکستان مسیر اصلاحات را با خون سردی پیموده و می کوشد از گذشته روسی-شوروی اش به آرامی به سمت الگوهای غربی حرکت کند. به همین دلیل روابطش را با مسکو فعال نگه داشته است. در شروع اصلاحات، در اپریل ۲۰۱۷ ولادیمیر پوتین وعده داد که کشورش در اوزبیکستان ۱۲ میلیارد دالر سرمایه گذاری خواهد کرد و بین دو کشور به ارزش سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر قراردادهای تجاری امضا شد.

اکنون اوزبیکستان دومین استراتژی انکشافی پنج ساله اش (۲۰۲۲-۲۰۲۶) را معرفی کرده و برای تحقق آن با اتحادیه اروپا، بانک جهانی، ایالات متحده و دیگر همکاران غربی گفت و گو کرده و حمایت آن ها را طلب می کند. در گفت و گوهای اخیر که از یک ماه به این سو بین مقام های امریکایی و اوزبیک جریان داشته و به تاریخ ۱۳ ماه جاری با اعلامیه مشترک جمع بندی گردیده، بین طرفین تعهدات بسیاری ردوبدل شده است. برای جمع بندی این نوشته، عرصه های همکاری و تعهدات طرفین را دوباره مرور می کنیم:

شود، کمک بزرگی به منطقه خواهد بود.

روابط دوستانه پاکستان و طالبان در حال قطع شدن است

نخبه‌گان سیاسی در اسلام‌آباد پاکستان زمانی به این باور بودند که با ایجاد نیروهای طرفدار پاکستان در افغانستان «عمق استراتژیک» ایجاد می‌کنند. با این حال، اکنون همان گروه‌هایی که زمانی توسط اسلام‌آباد به‌عنوان «دارایی‌های استراتژیک» مورد استقبال قرار می‌گرفتند، به تهدید جدیدی تبدیل شده‌اند.



نویسنده: حمید میر منبع: واشنگتن‌پست

افغانستان «عمق استراتژیک» ایجاد می‌کنند. با این حال، اکنون همان گروه‌هایی که زمانی توسط اسلام‌آباد به‌عنوان «دارایی‌های استراتژیک» مورد استقبال قرار می‌گرفتند، به تهدید جدیدی تبدیل شده‌اند. زمانی که طالبان سال گذشته کابل را به تصرف خود درآوردند (در این روند توافق خود را با ایالات متحده نقض کرد)، عمران خان، نخست‌وزیر وقت پاکستان، این رویداد را جشن گرفت و اعلام کرد که طالبان «غل و زنجیر برده‌گی» را شکسته‌اند. بسیاری دیگر از پاکستانی‌ها نیز جشن گرفتند. این توهم زیاد دوام نیاورد. تنها چند روز پس از پیروزی، حاکمان جدید کابل اعضای طالبان پاکستانی (معروف به تحریک طالبان پاکستان یا TTP) را که در زندان‌های افغانستان زندانی بودند آزاد کردند؛ همان افرادی که سال‌ها علیه پاکستان جنگیده بودند. در مورد دولت اسلام‌آباد، دولت جدید کابل نیز آشکارا از پذیرش مرز پاکستان و افغانستان که بیش از یک قرن پیش توسط حاکمان استعماری بریتانیا مشخص شده بود، خودداری

به تاریخ ۱۱ دسامبر، نیروهای طالبان افغانستان شهری را در آن سوی مرز با پاکستان گلوله‌باران کردند و هفت غیرنظامی پاکستانی را کشتند. پاکستان نیز به همین ترتیب پاسخ داد و یک جنگ‌جوی طالبان را کشت و ۱۰ افغان را زخمی کرد. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، «گلوله‌باران بی‌دلیل» نیروهای طالبان را محکوم کرد. در ۱۵ دسامبر، دو طرف در سراسر مرز به تبادل آتش توپ‌خانه پرداختند که منجر به کشته شدن حداقل یک غیرنظامی پاکستانی و زخمی شدن ۱۵ تن دیگر شد. پاکستان و طالبان عملاً در حال جنگ‌اند. زمان آن فرارسیده است که پاکستان بپذیرد سیاست ده‌ساله‌اش در مورد افغانستان شکست خورده است. در حالی که توجه جهان بر حمله پوتین به اوکراین متمرکز شده است، درگیری در منطقه مرزی بین پاکستان و افغانستان کمتر گزارش شده است؛ حتی اگر احتمال وقوع یک فاجعه جدی روزبه‌روز بیشتر شود. نخبه‌گان سیاسی در اسلام‌آباد پاکستان زمانی به این باور بودند که با ایجاد نیروهای طرفدار پاکستان در

در برخی شهرهای افغانستان تظاهرات اعتراضی علیه پاکستان برگزار شده است.

کشته شدن ایمن الظواهری، رهبر القاعده، در کابل در ماه جولای توسط هوایمای بدون سرنشین امریکایی، روابط تنش‌آمیز بین افغان‌ها و پاکستانی‌ها را به شدیدترین حد خود رساند. طالبان اسلام‌آباد را مسوول قتل الظواهری دانستند.

وزیر خارجه پاکستان، بلاول بوتو زرداری، در هشت ماه گذشته از بسیاری از کشورها دیدن کرده است. او هنوز به کابل سفر نکرده است. او چند هفته پیش حنا ربانی کهر، معاون وزیر امور خارجه را به کابل فرستاد. او اولین وزیر زن بود که تلاش کرد با طالبان گفت‌وگو کند. اما وزیر دفاع طالبان (بزرگ‌ترین پسر محمدعمر، رهبر طالبان افغانستان) از ملاقات با او خودداری کرد.

در ۲۹ نوامبر، جنرال عاصم منیر، فرماندهی جدید ارتش پاکستان را برعهده گرفت. روز بعد، چهار غیرنظامی در یک بمب‌گذاری انتحاری در پاکستان کشته شدند. TTP مسوولیت آن را برعهده گرفت. «دارایی‌های استراتژیک» سابق پیامی را می‌فرستادند که با خون نوشته شده بود. طالبان افغانستان، پاکستان را به چالش می‌کشند. اعضای آن فکر می‌کنند که ایالات متحده را شکست داده‌اند و می‌توانند قدرت هسته‌ای مانند پاکستان را نیز شکست دهند. چیزی که آن‌ها نمی‌توانند اذعان کنند، این است که براساس داده‌های بانک جهانی، افغانستان اکنون یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. آن‌ها باید فقر را شکست دهند، نه پاکستان را.

آن‌چه همه این‌ها روشن می‌کند، این است که پاکستانی به یک سیاست جدید در افغانستان نیاز دارد؛ احتمالاً سیاستی مبتنی بر عدم مداخله و تقویت مرزها برای کاهش حملات فرامرزی. مهم‌تر از همه، باید توسط رهبران غیرنظامی در پارلمان تدوین شود، نه در اداره استخبارات نظامی. در غیر این صورت، سال ۲۰۲۳ احتمالاً سال پرتنش برای روابط پاکستان و افغانستان خواهد بود. تهاجم روسیه به اوکراین، توجهات را از درگیری میان پاکستان و افغانستان منحرف کرده است. با این حال تنش بین دو کشور نیز شایسته پوشش است. آتش میان طالبان و پاکستان این ظرفیت را دارد که فاجعه جدیدی را برای جنوب آسیا به ارمغان بیاورد، در حالی که منطقه حداقل توان تحمل آن را ندارد.

گفت‌وگو با زبان تفنگ؛

طالبان به تفاهم باور ندارند

آسو



پیوسته بر گفت‌وگو تاکید می‌کنند. پرسش این است که آیا طالبان به گفت‌وگو باور دارند؟ آیا رهبران این گروه تفنگ‌ها را زمین مانده و میز مذاکره را ترجیح می‌دهند؟ این پرسش‌ها از آن‌جا اهمیت مضاعف و برجسته دارد که آینده افغانستان به آن گره خورده است و زنده‌گی میلیون‌ها انسان به آن بسته‌گی دارند. آن‌چه تجربه سیاسی طالبان در گذشته و اکنون نشان می‌دهد، بخش قابل توجه و قدرت‌مند طالبان به گفت‌وگو، تقسیم عادلانه قدرت سیاسی، دیپلماسی و رسیدن به یک تفاهم همه‌جانبه باور ندارند و بیشتر توجه آن‌ها به زور نظامی، جنگ و خشونت است تا از این بعد برجسته‌گی خود را به نمایش بگذارند و مخالفان خود را به تسلیمی و بیعت وادارند. برای همین، در تابستان امسال احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، در ایران با جناحی از طالبان از جمله امیرخان متقی گفت‌وگو کرد. متقی از مسعود خواسته بود که با گروه طالبان بیعت کند. نه‌تنها به احمد مسعود، بلکه به تمام جناح‌ها، رهبران قومی-مذهبی و مخالفان سیاسی پیشنهاد بیعت داده شده است و طالبان به این باورند که به‌گونه کامل قدرت سیاسی در مشت آن‌ها باشد و دیگران از آن‌ها تبعیت کنند.

این تمامیت‌خواهی به جایی کشیده است که طالبان سازمانک‌هایی مانند «نجم»، «جمعیت اصلاح» و «حزب تحریر» که سال‌ها در رکاب این گروه مبارزه فرهنگی کرده و برای آن‌ها سرباز تهیه

کردند را پس زده و فعالیت‌شان را قدغن کردند. این‌ها نمونه‌هایی از تمامیت‌خواهی و پشت پا زدن به زنده‌گی کثرت‌گرا، گفت‌وگو محور و بی‌باوری به تفاهم سیاسی است. اصولاً گروه طالبان یک گروه شبه‌نظامی-تروریستی است که بر پایه خشونت بنا یافته و شیرازه آن را جنگ و نظامی‌گری تشکیل می‌دهد. از همین رو به نظر می‌رسد که بدون آن دوام آورده نمی‌تواند و عمرش کوتاه‌تر می‌شود. گروه‌های شبه‌نظامی-تروریستی پیوسته باید خشونت و جنگ را بازتولید کنند و از آن به عمر خود افزوده و دوام خود را بیشتر کنند. غافل از آن‌که عمر ستم کم است و پیامبر اسلام فرموده است که حکومت با کفر دوام می‌آورد و با ظلم و ستم نه.

گفت‌وگو یک ویژه‌گی اکتسابی است که باید آموخته شود. روان‌شناسان به این باورند که این ویژه‌گی علاوه بر آموزش، باید در طول زنده‌گی تقویت شود. طالبان اما گفت‌وگو و تفاهم را نه آموزش دیده‌اند، نه آن را تقویت کرده‌اند و نه هم به آن باور دارند. گروهی که با جنگ بزرگ شده و از راه نظامی‌گری به قدرت رسیده است، چطور می‌تواند به گفت‌وگو باور داشته باشد و از راه تفاهم قدرت سیاسی را تقسیم و صلح نسبی را برقرار کند؟ به نظر می‌رسد نه‌تنها در مواجهه با دیگران، بلکه در کوچک‌ترین اختلاف سیاسی نیز جناح‌های متفاوت این گروه تفنگ را بر رخ یک‌دیگر کشیده و حتا دست به نابودی می‌زنند.

گزارش‌های زیادی از درگیری‌های خودی طالبان وجود دارد که آن‌ها به دلایل بسیار پیش‌پاافتاده دست به خشونت زده و هم‌دیگر را حذف فیزیکی کرده‌اند. به عبارت دیگر، خشونت در جهان‌بینی طالبان به یک امر پیش‌پاافتاده تبدیل شده و آن را ابتذال کشیده‌اند.

برجسته‌گی منطق تفنگ و بی‌باوری به گفت‌وگو و تفاهم در میان طالبان، در ابعاد متفاوت خود را به نمایش گذاشته است. این گروه هم در بگومگوها و اختلافات درون‌گروهی خود، هم در مواجهه با گروه‌ها و احزاب سیاسی مخالف که انتظار گفت‌وگو و تفاهم از این گروه را دارند و هم در برابر کشورهای همسایه و حتا هم‌پیمان‌های استراتژیک خود، پیوسته از زبان خشونت و تفنگ حرف زده و در کوچک‌ترین اختلاف خشونت و خون از زبان‌شان فوران می‌کند. درگیری‌های مرزی با ایران، پاکستان، اوزبیکستان و کشورهای دیگر نمونه بارز این ادعا است که نشان می‌دهد طالبان در مواجهه با همه و حتا با خود منطق گفت‌وگو و تفاهم را نمی‌دانند و زبان‌شان زبان خون است. با وجود این، انتظار گفت‌وگو از این گروه بیهوده است و رهبران سیاسی، نخبه‌گان تاثیرگذار و کشورهای منطقه باید بدانند که با این سیاست، طالبان بیشتر جسور می‌شوند. طالبان منطق گفت‌وگو را بلد نیستند و مزید بر این باور چندانی به تفاهم ندارند.

تقابل طالبان با آزادی‌های مدنی

علی سجاد مولایی

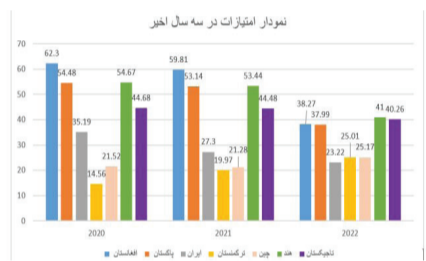


سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرده است که در جریان یک سال گذشته ۲۱۹ رسانه در افغانستان از فعالیت باز مانده‌اند. به گفته این سازمان، از میان ۵۴۷ رسانه فعال در افغانستان در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، تنها ۳۲۸ رسانه پس از تصرف قدرت توسط طالبان، به فعالیت خود ادامه داده‌اند.

وزارت عدلیه را لغو کردند. عبدالکریم حیدر، معاون وزارت عدلیه طالبان، در نشست سالانه گزارش‌دهی این وزارت گفت که در حال حاضر نیاز به احزاب سیاسی در افغانستان نیست. ممنوع کردن فعالیت احزاب، به معنای خفه کردن صدای مخالف رژیم طالبان است؛ به عبارت دیگر، طالبان با ممنوع کردن فعالیت احزاب تلاش می‌کنند هر نوع نیروی مخالف خود را سرکوب کنند و جامعه را از تنوع فکری و ایدئولوژیکی به سمت یک‌دست‌سازی پیش ببرند. نبود احزاب و ممنوعیت فعالیت آن‌ها دال دیگری بر استبدادی بودن رژیم طالبان است. از سویی، نبود احزاب به این معنا است که دیگر هیچ‌گونه نظارتی بر اعمال طالبان وجود نخواهد داشت. در زمان جمهوریت، بیش از ۱۰۰ حزب سیاسی در افغانستان به‌صورت حضوری فعالیت داشتند که از این میان تنها ۷۳ حزب در وزارت عدلیه افغانستان به‌صورت رسمی ثبت بودند. احسان نیرو، سخنگوی حزب جنبش ملی به رهبری مارشال دوستم، در واکنش به ممنوع کردن فعالیت احزاب گفته است که «موجودیت احزاب در افغانستان و جهان یک اصل است و باید به این اصل احترام گذاشته شود.»

طالبان و آزادی بیان

براساس آمار سازمان گزارشگران بدون مرز (RSF) در ۲۰ سال گذشته افغانستان بالاترین مقام و امتیاز را در میان کشورهای منطقه به لحاظ آزادی بیان داشت.



آمار و نمودار فوق نشان می‌دهد که افغانستان در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، بلندترین مقام و بالاترین امتیاز را در میان کشورهای منطقه کسب کرده است. اما در سال ۲۰۲۲ زیر حاکمیت طالبان، این امتیاز به پایین‌ترین سطحش در چند سال گذشته رسیده است. دلیل این، بیشتر به عمل کرد طالبان برمی‌گردد. طالبان در یک سال گذشته محدودیت‌های شدیدی بر رسانه‌ها وضع و در مواردی کارمند رسانه‌ها را لت‌وکوب و زندانی کرده‌اند.

سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرده است که در جریان یک سال گذشته ۲۱۹ رسانه در افغانستان از فعالیت باز مانده‌اند. به گفته این سازمان، از میان ۵۴۷ رسانه فعال در افغانستان در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، تنها ۳۲۸ رسانه پس از تصرف قدرت توسط طالبان، به فعالیت خود ادامه داده‌اند. به نظر می‌رسد که با ادامه وضعیت و اعمال محدودیت‌های بیشتر، تعدادی دیگر از رسانه‌ها نیز فعالیت‌شان را متوقف کنند.

جامعه‌ای فاقد آزادی، جامعه‌ای مرده

براساس فیصله کمیسیون تعلیم، تربیت و تحصیلات عالی طالبان، این گروه در تلاش است تا عناوین و درس‌های با محتویات آزادی را تغییر دهد یا حذف کند. تغییر مضامین و اصلاح متون درسی در نصاب آموزشی، نقطه شروعی برای تغییر نسلی عمده و شگرف در افغانستان است که نسل‌های بعدی را بنیادگرا و افراطی تربیت می‌کند. تمام گروه‌های ایدئولوژیک، تندرو و توتالیتر نگاهی خاص به آموزش دارند و آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای دست‌یابی به اهداف‌شان می‌بینند. هدف آن‌ها، تربیت نسلی بنیادگرا، جهادی، مطیع، خاموش و عاری از قوه تحلیل و نقد است؛ نسلی که باید برای ارزش‌های کهنه و افراطی این گروه بجنگد. مهم‌ترین پیامد این تغییر در نظام آموزشی، تربیت نسلی فاقد از تفکر آزادی و عاری از پرسش‌گری و مطالبه‌گری است.

بیشتر عناوین این مضمون‌ها در مورد حقوق زن، مردم‌سالاری و دموکراسی، حقوق بشر، فرهنگ، نوروز، موسیقی، مجسمه‌سازی و قانون اساسی است. تمام این موارد در تضاد با ایدئولوژی طالبان قرار دارد. در این سند آمده است، تمام درس‌هایی که در مورد موسیقی است و تصاویر آلات موسیقی در آن دیده می‌شود، باید حذف شود؛ چون به گفته کمیسیون تعلیم، تربیت و تحصیلات عالی طالبان، این کار ترویج فرهنگ غرب و بیگانه است و باعث گمراهی جوانان می‌شود. از نظر طالبان، گوش دادن به موسیقی حرام است و شنونده آن باید مجازات شود. طالبان در موارد متعددی وسایل موسیقی شهروندان را شکستاده و صاحب آن را مجازات و توهین کرده‌اند. خیلی از هنرمندان و نوازندگان می‌گویند که مجبور شده‌اند وسایل خود را بفروشند یا مخفی کنند. فضل (نام مستعار) هنرمند محلی‌خوان که به‌تازگی از کابل بیرون شده است، می‌گوید که در پاکستان او مجبور شده برای مشق و تمرین خودش و پسرش، دوباره وسایل موسیقی بخرد. او می‌گوید که شنیدن موسیقی به صدای بلند در افغانستان جرم تلقی می‌شود و اجرای موسیقی در محافل شادی نیز ممنوع شده است.

طالبان همچنان در این سند تذکره داده‌اند که جشن نوروز و میله سمنک از نگاه اسلام ناروا است و آموزگار باید به دانش‌آموزان در این مورد معلومات بدهد. بر همین مبنا، این گروه رخصتی نوروز را از تقویم افغانستان حذف کرده و آن را رسم مجوسی و زردتشی خوانده است.

طالبان در حکومت قبلی‌شان نیز میله‌های نوروز و گل سرخ را ممنوع کرده و دروازه روضه شریف (حرم منصوب به علی ابن ابوطالب - امام اول شیعیان) در شهر مزارشریف را بسته بودند. حالا هم بر رفت‌وآمد در این روضه محدودیت وضع و تقسیم‌اوقات تعیین کرده‌اند. براساس این تقسیم‌اوقات، در روزهای معین زنان اجازه رفتن به روضه شریف را دارند.

احزاب و طالبان

احزاب سیاسی در یک جامعه دموکراتیک در حقیقت نقش تسهیل‌کننده بسج ایدئولوژی‌های متنوع را دارند که در صورت نبود یا عدم سهم‌گیری فعال آن‌ها، جامعه با فقدان مراجع تمثیل آرای جمعی مواجه شده و افراد جامعه ناچار با چالش فردسالاری و شخصیت‌پرستی دچار می‌شوند که ماهیتاً صرف در خدمت منافع جمعی قلیل بوده و در درازمدت حتماً منجر به تضعیف اصل حاکمیت و مردم‌سالاری می‌شود. پس بایست در یک جامعه آزاد، به احزاب سیاسی مجال فعالیت فراهم شود تا افراد و گروه‌های مختلف زمینه سهم‌گیری در حیات سیاسی را از مجاری قانونی و به‌شکل صلح‌آمیز و به دور از خشونت داشته باشند. به عبارت دیگر، احزاب نقش رهنمای جامعه را دارند و زمینه آن را میسر می‌سازند تا اعضای جامعه با دیدگاه‌های متنوع، خود و آرای‌شان را در آیین احزاب پیدا کرده و از حزب مورد علاقه خویش حمایت کنند. از سویی، تشکیل انجمن، حزب و سندیکاهای کارگری یک حق بشری است.

طالبان در حمل سال ۱۴۰۱، ریاست احزاب سیاسی

یکی دیگر از مهم‌ترین سوالاتی که در جریان گفت‌وگوهای صلح میان طالبان و حکومت پیشین افغانستان وجود داشت، این بود که آیا طالبان به رعایت حقوق و آزادی زنان پای‌بند خواهند ماند و این آزادی را به رسمیت خواهند شناخت؟

طالبان نه‌تنها حقوق اولیه زنان را به رسمیت نشناخته، بلکه در این یک سال و اندی حقوق اولیه آنان را به‌صورت مداوم نقض و زیر پا کرده‌اند. این گروه در نخستین اقدام خود در ۱۶ سنبله ۱۴۰۰، وزارت امور زنان را لغو و به جای آن وزارت امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد کرد. این نخستین برخورد شدید طالبان با زنان در افغانستان بود. پس از آن درب مکاتب دختران را به روی دختران بالاتر صنف ششم بسته‌اند و به این زودی‌ها هم قرار نیست از این تصمیم‌شان برگردند. طالبان از روزی که قدرت را به دست گرفته‌اند، زنان را از رفتن به کار منع کرده و دلیل آن را مساعد نبودن محیط کاری خوانده‌اند.

براساس مصوبه‌ای که از «کمیسیون تعلیم، تربیه و تحصیلات عالی» طالبان به دست روزنامه ۸صبح رسیده است، این گروه تلاش دارد موضوعاتی که در مورد حقوق و آزادی‌های زنان در نصاب تعلیمی افغانستان است را حذف کند. برداشت طالبان این است که آن‌چه به‌عنوان حقوق زنان در کتاب‌های درسی آمده، مغایر ارزش‌های «اسلامی و افغانی» است.

طالبان همچنان بر پوشش زنان محدودیت‌های شدیدی وضع کرده‌اند. براساس گزارش‌ها، نیروهای این گروه در چند مورد دختران را به دلیل نداشتن پوشش مورد نظر آن‌ها از ورود به دانشگاه منع کرده‌اند. کمیسیون فوق همچنان تأکید کرده است که باید تمام تصاویر زنان از کتاب‌های درسی حذف شوند. در توضیح آن آمده است که وجود تصویر زنان باعث ترویج «ارزش‌های غربی و تشویق به بی‌حجابی» می‌شود. در آخرین مورد طالبان زنان را از رفتن به مکان‌های تفریحی و ورزشی نیز منع کرده‌اند. در چندین جای این سند آمده است که آموزگار به دانش‌آموزان توضیح بدهد «که زنان باید تنها در صورت نیاز با پرده و حجاب از خانه بیرون شوند». این به معنای حذف کامل زنان از صحنه روزگار در افغانستان زیر اداره طالبان است.

براساس آماری که از سوی دانشگاه جورج تاون - ایالات متحده منتشر شده است، افغانستان در میان ۱۷۰ کشور جهان که براساس شاخص‌هایی چون اشتغال، استفاده از تلفن‌های همراه، وضعیت اقتصادی زنان، حضور زنان در پارلمان و دسترسی زنان به محاکم و عدالت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در رتبه ۱۷۰ قرار دارد. این یعنی افغانستان بدترین کشور برای زنان در جهان است. زنان افغانستانی حتماً دسترسی به ساده‌ترین حقوق‌شان را ندارند. در حال حاضر زنان افغانستانی از حق آموزش، حق کار و حق سفر و... محروم‌اند.

طالبان در مواجهه با هنر و فرهنگ

براساس فیصله کمیسیون تعلیم، تربیه و تحصیلات عالی طالبان، مضامین تعلیمات مدنی، هنر و فرهنگ باید از نصاب معارف افغانستان حذف شوند. این کمیسیون گفته است که این سه مضمون غیرضروری و مضرند.

فصل دوم قانون اساسی ۱۳۸۴ به آزادی سیاسی و مدنی اختصاص یافته بود که حق حیات، حق کار، حق مالکیت، حق تعلیم، آزادی بیان و سایر آزادی‌ها در چوکات قانون، منع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان، منع تعذیب انسان، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن اتباع، حق تاسیس جمعیت‌ها و احزاب، مصون بودن آزادی و محرمت مراسمات و مخابرات، مصون بودن مسکن شخص از تعرض، حق سفر به هر نقطه کشور، حق اختیار کردن مسکن در هر نقطه کشور، حق سفر به خارج از افغانستان، منع تحمیل کار اجباری، تامین وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات بهداشتی رایگان برای اتباع از سوی دولت و حمایت دولت از خانواده به‌عنوان رکن اساسی جامعه شامل آن بود.

در جریان گفت‌وگوهای صلح میان حکومت پیشین و طالبان، بسیاری به این باور بودند که طالبان تغییر کرده‌اند و این بار اشتباهات دفعه قبلی را تکرار نخواهند کرد. این خوش‌خیالی خیلی از کارشناسان و حتی دولت‌ها بعد از ۱۵ اگست با روی‌کارآمدن طالبان رنگ باخت. ادعای این‌که طالبان تغییر کرده‌اند و به حقوق اولیه و اساسی افراد احترام می‌گذارند، غلط از آب درآمد. طالبان برعکس این ادعا با تصاحب قدرت محدودیت‌های شدیدی بر عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در افغانستان وضع کردند.

لغو قانون اساسی افغانستان

پس از سقوط جمهوریت، قانون اساسی دوره جمهوریت نیز از سوی طالبان لغو شد. قانون اساسی منبع اصلی سایر قوانین در یک کشور است و تمام امور قانونی و حقوقی براساس قانون اساسی تعریف می‌شوند. در یک سال و چند ماهی که از آغاز سلطه طالبان می‌گذرد، افغانستان شاید از معدود کشورهایی باشد که فاقد قانون اساسی مدون است. طالبان اخیراً اعلام کرده‌اند که کار روی تدوین قانون اساسی جدید را شروع کرده‌اند. این‌که طالبان با چه کارشویه و سازکاری می‌خواهند قانون اساسی جدید بسازند، معلوم نیست؛ اما این واضح است که قانون اساسی طالبان، یک قانون اساسی بسته و فاقد هر گونه آزادی خواهد بود. براساس سندی که به روزنامه ۸صبح رسیده است، طالبان خواهان حذف بخش‌هایی از نصاب معارف افغانستان‌اند که در آن به قانون اساسی و آزادی اشاره شده است. پیش از این نیز عبدالکریم حیدر، معاون وزارت عدلیه طالبان، گفته است که «افغانستان ضرورتی به قانون اساسی ندارد و مشکلات مردم در کشور بر بنیاد فقه حنفی حل می‌شود.» لغو قانون اساسی از سوی طالبان به معنای نادیده گرفتن تمام حقوق و آزادی‌هایی است که در فصل دوم قانون اساسی افغانستان آمده بود. در نبود قانون اساسی و مشخص نبودن حدود قانونی، طالبان هر نوع ظلم و ستمی که دل‌شان خواسته است را در یک‌وونیم سال اخیر بالای شهروندان افغانستان تحمیل کرده‌اند، از ممنوعیت فعالیت‌های اجتماعی زنان گرفته تا مسدودیت مکتب‌های دخترانه و وضع محدودیت بر رسانه‌ها.

برخورد طالبان با زنان

۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور می‌گویند یک دختر جوان در این ولایت خودکشی کرده است. منابع روز شنبه، ۲۶ قوس، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این دختر هژده‌ساله، پریمان نام داشته و در روستای دهتای ولسوالی تیوره ولایت غور خودش را حلق‌آویز کرده و به زنده‌گی‌اش پایان داده است. علت این خودکشی، خشونت‌های خانوادگی عنوان شده است. این در حالی است که حوالی ساعت ۴:۰۰ عصر امروز نیز یک دختر ۱۳ ساله در منطقه دره قاضی ولایت غور خودش را حلق‌آویز کرده و به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

عمران خان: حزب تحریک انصاف دو مجلس محلی را تا چند روز دیگر منحل می‌کند



خیبر پختون‌خوا را منحل خواهیم کرد.» حزب تحریک انصاف پاکستان تحت رهبری عمران خان دو مجلس از چهار مجلس ایالتی کشور را کنترل می‌کند. دو مجلس دیگر توسط مخالفان او کنترل می‌شود. دولت فدرال تحت رهبری شهباز شریف، نخست‌وزیر کنونی، گفته است که قبل از برگزاری انتخابات در نوامبر ۲۰۲۳، انتخابات ملی و محلی برگزار نخواهد شد. اگر دو مجلس ایالتی زودتر منحل شود، باید ظرف ۹۰ روز برای آن‌ها رای‌گیری جداگانه برگزار شود که می‌تواند مشکلات حقوقی ایجاد کند. خان که ماه گذشته در یک اقدام آشکار برای ترور مجروح شد، گفت که دو دولت ایالتی خود را به خاطر آینده کشور «فربانی» می‌کند. وی افزود که انتخابات در این دو ولایت به معنای برگزاری رای‌گیری در ۶۶ درصد کشور است و از این رو دولت ممکن است انتخابات عمومی را نیز برگزار کند.

عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان، اعلام کرد که حزبش هفته آینده دو مجلس ایالتی را زودتر از موعد مقرر منحل می‌کند. او روز شنبه، ۱۷ دسامبر، هدف از این اقدام را تلاش برای ایجاد فشار بر دولت فدرال برای برگزاری انتخابات عمومی زودهنگام عنوان کرده است. خان در سخنرانی‌ای در جمع هوادارانش در شرق شهر لاهور گفت: «جمعه آینده (۲۳ دسامبر)، مجالس پنجاب و

روسیه:

بسته تحریمی جدید اروپا مشکلات خود این اتحادیه را افزایش می‌دهد



ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، روز شنبه، ۱۷ دسامبر، با نشر خبرنامه‌ای نسبت به تصویب نهمین بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه این کشور واکنش نشان داد.

بربنیاد گزارش‌ها، سخنگوی وزارت خارجه روسیه گفته که بسته تحریمی جدید اتحادیه اروپا، عامل افزایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو خواهد شد.

ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، روز شنبه، ۱۷ دسامبر، با نشر خبرنامه‌ای نسبت به تصویب نهمین بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه این کشور واکنش نشان داد.

او افزود که این بسته متشکل از اقدامات محدودکننده یک‌جانبه و غیرقانونی است. نام‌برده تصریح کرده است: «رهبران اتحادیه اروپا نمی‌توانند از چرخه محدودیت‌ها خارج شوند و بپذیرند که همه تحریم‌های ضد روسیه و سیاست‌های فشار بیپه‌ده است. بسته فعلی همان تاثیر بسته‌های قبلی را خواهد داشت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در خود اتحادیه اروپا تشدید خواهد کرد.»

زاخارووا خاطر نشان کرده است که شهروندان اتحادیه اروپا در حال حاضر با کاهش انرژی و تورم تحریمی بی‌سابقه، به دلیل «گام‌های بی‌ملاحظه بروکسل» مواجه هستند.

به گفته او، صنعت اروپا در معرض تهدید است. این اظهارات روسیه در حالی مطرح می‌شود که رهبران اتحادیه اروپا در هفته جاری توافق کردند تا معادل ۱۹ میلیارد دلار کمک مالی را در سال آینده برای اوکراین فراهم کنند و نهمین دور تعزیرات را بر مسکو وضع کنند.

براساس تعزیرات جدیدی که بر روسیه وضع می‌شود، در پهلوی سایر اقدامات، تقریباً ۲۰۰ تن دیگر شامل فهرست سیاه شده و سرمایه‌گذاری در معادن روسیه نیز ممنوع می‌شود.

ترانه علی دوستی، بازیگر سینمای ایران بازداشت شد

او در تازه‌ترین اعتراض خود به اقدامات حکومت ایران علیه معترضان، در واکنش به اجرای حکم اعدام محسن شکاری، معترض ۲۳ ساله، در صفحه اینستاگرامش نوشت: «حالا بنشینید و منتظر عواقب این خون‌خواری باشید.» خانم علی دوستی افزوده بود: «هر سازمان بین‌المللی که شاهد این خون‌ریزی است و اقدامی نمی‌کند، مایه ننگ بشریت است.»

پیش از ترانه علی دوستی، شماری از بازیگران زن شناخته‌شده سینما و تلویزیون مانند هنگامه قاضیانی و کنایون ریاحی نیز بازداشت و بعدتر با قرار وثیقه آزاد شده‌اند.

براساس گزارش‌ها، ترانه علی دوستی، بازیگر شناخته‌شده سینمای ایران، از سوی نیروهای امنیتی این کشور بازداشت شده است. نزدیکان ترانه علی دوستی به رسانه‌ها گفته‌اند که نیروهای امنیتی ایران بعد از چاشت شنبه، ۲۶ قوس، پس از جست‌وجوی خانه خانم علی دوستی، او را بازداشت کرده‌اند. هنوز معلوم نیست کدام نهاد امنیتی و به چه اتهامی او را بازداشت کرده است.

ترانه علی دوستی در پی اعتراضات اخیر ایران، یک عکس بدون چادرش را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که در آن عکس شعار «زن، زنده‌گی، آزادی» در دست داشت.



سازمان حقوق بشر ایران: دست‌کم ۴۶۹ تن در اعتراضات اخیر کشته شده‌اند

سازمان حقوق بشر ایران اعلام کرده است که دست‌کم ۴۶۹ تن از جمله ۶۳ کودک و ۳۲ زن در جریان اعتراضات سرتاسری اخیر این کشور کشته شده‌اند. بربنیاد گزارش جدید این سازمان که روز شنبه، ۱۷ دسامبر نشر شد، دست‌کم ۳۹ معترض با خطر صدور احکام سنگینی مانند اعدام روبه‌رویند و از میان زندانیان نگرانی جدی درباره اعدام قریب‌الوقوع شش تن از این زندانیان وجود دارد. گزارش می‌افزاید که بیشترین کشته‌گان از ولایت‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و مازنداران هستند. گزارش افزوده که دولت ایران پس از سه ماه موفق به خاموش کردن اعتراض‌های سراسری نشده است، اما تلاش دارد تا با صدور و اجرای احکام اعدام، ترس را حاکم کند. سازمان حقوق بشر ایران از اقدام شماری از نمایندگان پارلمان‌های اروپایی در جهت پذیرش کفالت سیاسی معترضان در معرض اعدام استقبال کرده است. این در حالی است که تاکنون دو تن از کسانی که در جریان اعتراض‌های اخیر بازداشت شده بودند، به نام‌های محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد، با فاصله بسیار کوتاهی بعد از محاکمه، اعدام شده‌اند.



زرداری:

شواهد محکم از پناهگاه‌های امن و حامیان مالی تی‌تی‌پی به شورای امنیت ارایه کردیم

۸ صبح، کابل: وزیر امور خارجه پاکستان گفته است که براساس معلومات سازمان اطلاعاتی این کشور، تی‌تی‌پی پناهگاه‌های امنی در مجاورت پاکستان پیدا کرده است و این کشور آن را تحمل نمی‌کند.

به گزارش اکسپرس تریبون، بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان، روز جمعه، ۲۵ قوس، در مقر سازمان ملل متحد گفته است که حمله بر مکتب نظامی در پشاور باید این مورد را گوشزد کرده باشد که سازوکار مبارزه با تروریسم سازمان ملل در مقابله با «تهدید تروریسمی که در حال حاضر از افغانستان سرچشمه می‌گیرد»، باید مؤثر باشد.

او می‌گوید که کشورش تروریسم فرامرزی را بر نمی‌تابد و حق اقدام مستقیم علیه آن‌ها را برای حفاظت از خود دارد.

زرداری خاطر نشان کرده است که کشورش شواهد محکمی از حمایت مالی خارجی و پناهگاه‌های تحریک طالبان پاکستانی یا تی‌تی‌پی و دیگر گروه‌های مخالف پاکستان دارد و آن‌ها را با شورای امنیت سازمان ملل به اشتراک گذاشته است.

وزیر امور خارجه پاکستان در این نشست گفته که کشورش انتظار داشته تا طالبان افغانستان بتوانند تحریک طالبان پاکستان را از انجام حملات تروریستی فرامرزی علیه پاکستان، همان‌طور که در توافقنامه دوحه تذکر رفته است، باز دارند.

به گفته زرداری، به نظر می‌رسد که تلاش‌ها برای رسیدن به این هدف شکست خورده است.

وزیر امور خارجه پاکستان تأکید کرده است که کشورش و جهان باید پناهگاه‌های امن تروریست‌ها را از بین برده و منابع مالی، افراد و نهادهای مسوول حملات تروریستی را هدف قرار دهند.

این اظهارات در سازمان ملل به مناسبت هشتمین سالیاد حمله بر مکتب نظامی در پشاور پاکستان مطرح شده است. در آن حمله ۱۳۲ کودک و هشت معلم و کارمند این مکتب کشته شدند. مسوولیت این حمله را تحریک طالبان پاکستان بر عهده گرفت.